

## عاشق رُستن، شاعر و روشن

برای ترانه‌سرای درخشان: زویا زاکاریان



حمید ناصحی

منتقد ترانه

از حدود یکصدوپنجاه سال پیش تا امروز که ترانه‌سرایی مدرن فارسی با فرازونشیب‌های بسیار، سیر تکوینی خود را طی می‌کند حضور زنان در این مسیر هیچ‌گاه به‌قدر لازم و کافی نبوده و نیست. این موضوع دلایل تاریخی، سیاسی و اجتماعی فراوانی دارد که می‌تواند موضوع یک نوشته‌ی بلند شود. اما به‌قدر اشاره می‌توان گفت که حضور زن در فضاهای مختلف جامعه‌ی ایرانی همواره تحت‌تأثیر محدودیت‌های بی‌جای رنگارنگ، عدم آمادگی نسل‌ها، کوتاهی تصمیم‌گیران و نقض سیاست‌ها بسیار کم‌رنگ و کم‌رغ جلوه می‌کند. با این حال در همین شرایط، در هر دوره‌ای ترانه‌سرایانی مهم از میان زنان ظهور کرده‌اند که توانسته‌اند به شکلی اثرگذار در ترانه‌ی فارسی نقش آفرینی کنند. این نقش آفرینی از اواخر دهه‌ی ۲۰ خورشیدی با «منیر طه» آغاز شد و تا امروز سیری صعودی داشته است. جریان موسوم به «ترانه‌ی نوین» از آغاز دهه‌ی ۵۰ خورشیدی به‌عنوان نقطه‌ی عطف تاریخ ترانه‌سرایی فارسی توانست بستر مطلوبی برای ظهور ترانه‌سرایان زن با معیارهای کثی و کیفی مطلوب باشد. پویایی فضای شعر و ادبیات فارسی در آن سال‌ها در پیوند با تحولات شگرف فرهنگی و اجتماعی و رونق انواع موسیقی باکلام نیز در حضور پررنگ بانوان مستعد در این عرصه، بسیار مؤثر بوده است. با این حال همواره این مردان بوده‌اند که نقش‌های اصلی را در جریان‌های ترانه‌سرایی حتی تا همین امروز ایفا کرده‌اند.

«زویا زاکاریان» اما در این عرصه، چهره‌ای ویژه است. ترانه‌سرایی که از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ حدود ۲۰ ترانه منتشر کرد و تقریباً نیمی از این ترانه‌ها تبدیل به ترانه‌های شاخص جریان مهم ترانه‌ی نوین شدند. همین آثار غیرقابل‌انکار و درعین حال منحصر‌به‌فرد است که او را در کنار چند ترانه‌سرای مرد، بر قله‌ی ترانه‌ی نوین نشانده است. زویا نه به‌واسطه‌ی پرکاری، بلکه با انکار بر توانایی‌های سرایش و تفکر عمیق حاضر در سروده‌هایش و به اعتبار کیفیت فرمی و محتوایی آفریده‌هایش به چنین جایگاهی رسیده است. جایگاهی که نه پیش و نه پس از او هیچ زن نزدیک به آن هم نشده است. به گمان من حتی مردان ترانه‌سرای تاریخ ترانه‌ی فارسی نیز جکی، دو چهره‌ی شاخص بعید است ادعای هم‌آوردی با او را داشته‌باشند. البته که همواره چنین رویکردی در ارزیابی جایگاه زویا زاکاریان توسط عده‌ای هم غیرقابل‌قبول و اغراق‌آمیز تلقی شده و خواهد شد؛ به‌ویژه آن‌هایی که اساساً جریان ترانه‌ی نوین را هم‌تراز با شعر و حتی تصنیف فارسی نمی‌بینند یا با معیارهای مردم‌پسندانه‌ی صرف و فراگیر محور به ترانه می‌نگرند. امیدوارم فرصتی دست دهد تا چنین ادعایی با معیارها و مصادیق موجود به سنجشی منصفانه‌برسد.

زویا زاکاریان در قامت یک نماینده‌نامه‌نویس برجسته نیز در همان فرصت‌های محدود و کوتاهی که داشته توانایی‌هایش را با آثاری شاخص و ماندگار به اثبات رسانده است. وجهی از ویژگی‌های هنری او که بی‌شک در کیفیت ترانه‌هایش نیز بسیار مؤثر بوده است. با این حال با دوری زاکاریان از سرزمین مادری و حذف بسترهای لازم برای خلق و اجرای نمایش‌نامه‌هایش، بار دیگر و این‌بار دور از وطن از اواخر دهه‌ی ۶۰ به خلق ترانه‌های ناب پرداخت. عمده‌ی ترانه‌های زویا در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ خورشیدی منتشر شدند که ادامه‌ی همان کارنامه‌ی درخشان دهه‌ی ۵۰ او بودند و موقعیت‌اش را به‌عنوان برترین ترانه‌سرای زن ایرانی تثبیت کردند.

زاکاریان هیچ‌گاه تلاش نکرده است تا از منظر زبانی و فرمی به سبکی فردی برسد، فرم و زبان ترانه‌های او همیشه به‌تبع موضوع و مضمونی که به آن پرداخته، شکل گرفته است. نگاه او به موضوعات مختلف فارغ از استثنائاتی بسیار اندک، فرای ملزومات مارکت و هیجانات فصولی اجتماعی، سیاسی و حتی شخصی است. او حتی هیچ تلاشی برای ارائه‌ی جنسیت خود در مضمون‌پردازی آثارش نکرده است و مجموعه‌ی همین رویکردهای خردمدارانه است که او و ترانه‌هایش را از فضای غالب ترانه‌سرایی فارسی متمایز می‌کند.

افسوس که زمانه، او را نیز مانند بسیاری دیگر از بزرگان این سرزمین از کشورش دور نگاه داشته و سال‌هاست که فضای فرهنگ و هنر ایران از حضور درخشان چنین ستاره‌ی بی‌بدیلی محروم است. با این حال تأثیر او در ترانه‌ی امروز و آینده، عمیق بوده و هست. امیدوارم پرداختن به نقش درخشان زویا زاکاریان در تاریخ ترانه‌ی فارسی مبدأ آفرینش ترانه‌هایی متعهد به اندیشه و هنر و ظهور ترانه‌سرایان و بانوانی چون او و در مسیر او باشد.

زادروز  
هنرمندطلابانوی  
ترانه‌سهزویا زاکاریان منادی وطن پرستی  
گفت وگو و دموکراسی است

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

۲۵ خردادماه ۱۳۲۹ در محله پل چوبی تهران در خانواده‌ای آذری و ارمنی به دنیا آمد؛ در خانه‌ای که کسی به زبان فارسی سخن نمی‌گفت. سه دهه بعد اما نام او در کنار ایرج جنتی عطایی، شهیار قنبری، اردلان سرفراز، منصور تهرانی و... در ردیف مهمترین ترانه‌سرایان موج نوی ترانه ایران قرار داشت. برای رسیدن به چنین موفقیتی البته قید تحصیل پزشکی در دانشگاه پهلوی شیراز را زده بود؛ به تهران بازگشته و در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران زیر نظر خلیل موحّد دیلمقانی نمایش‌نامه‌نویسی خوانده بود. بعدتر سراغ کلاس‌های آزاد بازیگری دانشکده هنرهای زیبا و حمید سمندریان نیز رفت. در پی کشفی تازه در جهان هنر بود و جز این آموختنی‌ها، شعر و ادبیات را نیز به‌جد دنبال می‌کرد. در نهایت در سال ۱۳۵۳ پایش به دنیای ترانه باز شد؛ آن‌هم در روزگاری که موسیقی پاپ در اوج درخشش خود بود و نسل نوینی از هنرمندان در این عرصه به شهرتی فراگیر دست یافته بودند. نخستین‌بار ترانه «قمری» او با آهنگی از فرید زلاند و تنظیم اریک ارادت دختر جوانی خواند که مالک کاباره میامی می‌کوشید با ستاره کردن او نشان بدهد نقش‌اش در شهرت عالم‌گیر همسر سابقش اندک نبوده است. بعد از آن قرعه به‌نام همکاری او با مارتیک، دیگر هنرمند ارمنی افتاد؛ همکاری قابل‌تأملی که پس از قریب به نیم‌قرن و بیش از ۳۰ آهنگ همچنان ادامه دارد و خود سبب شد تا گوش‌نیز به خواندن ترانه‌های او علاقه‌مند شود و بدین ترتیب اعتبار او در این عرصه تثبیت شود. این همکاری از «شاعر» شروع شد، در «فصل تازه» و «گه‌سواره من» جان گرفت و دهه‌ها بعد با شاهکاری چون «کیوکو بنگ‌بنگ» طلیعه فصلی تازه در کارنامه خواننده‌اش شد. با این همه، همه این جنب‌وجوش‌ها با نزدیک شدن به بیستم‌ماه ۵۷، از رونق افتاد و بر سر ترانه‌سرای جوان قصه ما که در همان روزهایی که «هوای شور و شر بود / تو اون کوچه بن بست» و «همه شیفته و سرمست / تورویا مونده در بست» بودند، دو شاهکار «شب‌زده» و «خالی» را به ترانه ایران تقدیم کرده بود نیز همانی آمد که بسیاری از خوانندگان نوظهور در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ در سال‌های بعد چشیدند؛ سکوت، تغییر فعالیت و در نهایت مهاجرت.

▲ طرح: هادی حیدری



## گزیده‌نویسی به سبک بی‌سبکی

گفت وگویی مکتوب با احسان سلطانی درباره اهمیت و جایگاه زویا زاکاریان

**فرزاد نعمتی:** «پاکت بی‌تمبرو تاریخ» نامی است که روی کتابی که از مصاحبه مفصل احسان سلطانی با زویا زاکاریان و گزیده‌ای از ترانه‌های ترانه‌سرای معروف ایرانی تشکیل شده، نهاده شده است. کتاب با مصاحبه کتبی سلطانی و زاکاریان آغاز می‌شود؛ مصاحبه‌ای که گاه به برخی جزئیات زندگی هنری زاکاریان معطوف است و گاه به مناظره‌ای درباره موضوعاتی چون مفهوم و طلایه داران ترانه نوین ایران، نسبت ترانه و ترانه‌سرا با سیاست و سیاستمداران، کیفیت همکاری خوانندگان مشهور با ترانه‌سرایان جوان ایران و... می‌ماند و در ادامه ترانه‌های برگزیده زاکاریان را رونمایی می‌کند. در ادامه بخشی از مصاحبه کتبی ۱۰ سال قبل من با احسان سلطانی، ترانه‌سرا و منتقد ترانه را بخوانید.

▲ میان آثار این بهترین ترانه‌سرای زن ایرانی با آثار سایر ترانه‌سرایان مطرح از جمله با آن مثلث معروف (قنبری، سرفراز و جنتی عطایی) چه فاصله‌ای وجود دارد؟ می‌توان به افزون نام زاکاریان به آن مثلث و تبدیلش به مربع ترانه نوین اندیشید یا نه، از لحاظ کثی و کیفی فاصله آن قدر هست که مردان و زنان ترانه‌سرای ایرانی را باید در دو سطح و



## ▼ ترانه‌سرای وطن

بخش مهمی از ترانه‌های زویا ترانه‌هایی هستند که به ترانه وطنی شهره‌اند و در آنها درک و دریافت خود از اهمیت خاک، میهن و تاریخ را به تصویر می‌کشند؛ ترانه‌هایی به گستره تمامیت ایران، از شمال تا جنوب، از «آذربایگان» تا «خلیج‌فارس» و از ارس تا اروند. او در این ترانه‌ها ابایی ندارد که مهر و عشق خود به سرزمین مادری را فریاد بزند و در برابر هر آن کسی که دندان طمع به این مرز پرگهر دارد، بایستد. پای «مرز عشق و شعر و شور» و «خاک ستار خان» که برسد، زویا می‌نویسد: «ای سر سبز وطن / آذربایگان من / از تو جدا یک نفس / مبدا ایران من / روزگارت در امان / دور از دست گزند / پشت تویی لرزه باد / هم‌چنان کوه سهند» و به تجزیه‌طلبان بدون مجامله هشدار می‌دهد: «آذربایگان من جان جانان من است / قیمت خون ارس رگ ایران من است / خانه شمس وز تشت، آبروی میهن است». آنگاه نیز که در می‌یابد عده‌ای می‌کوشند تاریخ و هویت «خلیج همیشه‌فارس»، این «الاهه‌فیروزه‌دامن» و «عروس آبی‌پوش ایران» را نادیده بگیرند، تاریخ ایران باستان و «حرف به عالم مرد و زن» را به شهادت می‌آورد و می‌سراید: «وقتی طلای قرص خورشید / آب میشه تو ساحل ارون / غروب جادویی ایران / می‌گیره آسمون بند بند / سجاده نور حنایی / می‌افشه رو صحن دماوند / بالای گلدسته الجرز / سیمیرغ پیر آذون می‌گه / روبه تمام قبله هام / اینو به هر زبون می‌گه: اشهد ان لا خلیج الاالا خلیج فارس / میمونه دریای جنوب به اسم ما: خلیج فارس».

## ▼ ترانه‌هایی سیاسی امام‌مصلحانه

یکی از خصوصیات عمده در ترانه نوین ایران عطف اعتنا به مصادب اجتماعی و بحران‌های سیاسی است. ترانه زویا نیز تهنی از این سویه‌ها نیست اما سوگیری او در نهایت باز خطاب به تمامیتی به نام ایران و آینده مردمان آن است و در آن نشانی از دلبستگی‌های حزبی

## ▼ از ترانه به تئاتر

هنرمندان موج نوی ترانه، فقط ترانه‌سرا نبودند. ایرج جنتی عطایی دانش‌آموخته تئاتر بود و شهیار قنبری در همان سال‌های ظهور زویا در دنیای ترانه، بازیگری و کارگردانی را در سینما می‌آزمود. زاکاریان هم از پس تعطیلی موسیقی در فردای انقلاب، در خانه نخست خود، نمایش، مأمّن گزید و با نوشتن نمایش محبوب موزون «سبزه دوست خوب‌بچه‌ها» که همسرش رضا ژبانی آن را کارگردانی می‌کرد و اکبر عبدی در آن نقش اصلی را داشت، به «رفع دل تنگی در غیبت ترانه» پرداخت. مدتی بعد اما از ادامه اجرای نمایش جلوگیری شد. زویا و رضا این بار به تلویزیون رفتند و سریال «مثل‌آباد» را با حضور عبدی، حمید جبلی و آیتلایسیانی ساختند. اینجا نیز پس از تهیه شش اپیزود، سریال برای سه‌سال توقیف شد. با چنین نامرادی‌هایی، کوچ اجتناب‌ناپذیر نمود. سال‌های نخست هجرت نیز در تئاتر گذشت و هفت نمایش‌نامه از زویا زاکاریان روی صحنه اجرا شد. با بازگشت ژبانی به ایران اما در پیچه تئاتر به روی زویا بسته و در عوض پنجره ترانه گشوده‌تر شد؛ پنجره‌ای به وسعت تخیل خلاق، احساس پرورده و اندیشه‌بخردانه هنرمندی که کم و گزیده نوشت اما در سروده‌هایش هم انسان و عشق را رعایت کرد، هم به ورطه تکرار و تقلید نیفتاد.

باشد. این گزیده‌نویسی در مورد هم‌قطاران زویا زاکاریان نیز صادق است. اردلان سرفراز، ایرج جنتی عطایی و شهیار قنبری نیز در طول بیش از چهار دهه فعالیت، تعداد ترانه‌هایشان بسیار کمتر از ترانه‌هایی است که انبوه‌سرایان در طول یک‌سوم این زمان روانه‌ی «بازار کسب‌وکار» کرده‌اند. شاید باورش برایتان دشوار باشد اما برخی از این ترانه‌سرایان سالانه چندده ترانه‌ی منتشر شده دارند که از نظر فضا سازی و کیفیت، گویی با استفاده از کاربن نوشته شده‌اند. نتیجتاً در بررسی کارنامه‌ی چهار ترانه‌سرای مذکور، مسئله‌ی احترام قائل بودن برای مخاطب و به تعبیر عامیانه، آب نیستن به کارنامه‌ی هنری شان، نباید از نظر دور بماند. نکته‌ی جالب‌توجه دیگر در کارنامه‌ی زویا زاکاریان، تنوع آثار اوست. به زحمت می‌توان ترانه‌هایی را در میان آثار او یافت که فضایی تکراری داشته باشند. از این منظر او از هم‌قطاران خود نیز پیش است، چه برسد به انبوه‌نویسان. این مسئله‌ای است که به گمانم در میان اهل فن مغفول مانده است. بررسی تنوع آثار زویا زاکاریان، به نتایج جالب‌توجهی منجر می‌شود.

نقطه‌ی روشن دیگر، مداومت زویا زاکاریان در ارائه‌ی ترانه‌های دارای ارزش هنری است. او از این حیث با ترانه‌سرایانی که در طول سالیان، به‌صورت جسته‌گریخته و دیرپادری ترانه‌هایی قابل دفاع نوشته‌اند، متفاوت است.

باتوجه به آن چه گفته شد، شخصاً ترجیح می‌دم همواره در کنار نام آن سه ترانه‌سرا از زویا زاکاریان نیز نام ببرم. اما همان‌گونه که عرض کردم، می‌توان به شیوه‌های دیگری هم این دسته‌بندی را انجام داد.

▲ در جایی از مصاحبه به «سبک بی‌سبکی» زویا زاکاریان اشاره کرده‌اید. ترانه‌سرایان سبک‌دار ایرانی کدامند؟ و دیگر ترانه‌سرایان بدون سبکی را که نظیر زاکاریان در آفرینش هنری موفق باشند چه کسانی می‌دانید؟